

استاندارد جهانی

دبیر گروه پایداری

فتح خرمشهر و بیرون کشیدن این شهر از جنگال آتشین ارتش بعث عراق از ابعاد آنچنان گسترده و شگفت انگیزی برخوردار بود که دولت ها و چهره های سیاسی در سطح جهان آن را کاری سترگ و فراتر از توان عادی رزمندگان حاضر در جبهه ها قلمداد و به تناسب شناخت و باورهایشان از آن با تعابیری که بیانگر شگفتی آنان بود، یاد کردند. این پیروزی معجزه آسا، فرماندهان را بر آن داشت تا به ادامه جنگ پا نشود به عمق خاک دشمن بپنشدند. اما تصمیم گیری در این ارتباط آسان نبود و نیازمند بررسی های همه جانبه بود. انتخاب راهکار پیرامون هریک از این دو گزینه می توانست تبعات گوناگونی در ابعادی پیچیده و غیر قابل پیش بینی در پی داشته باشد. که در آن مقطع همچون کوه یخ تنها بخشی کوچکی از آن قابل تصور بود. از این رو سران سیاسی و نظامی کشور به همراه فرماندهان ارشد ارتش و سپاه (به غیر از محسن رضایی فرمانده کل سپاه) با تشکیل جلسه مهمی در حضور امام خمینی (ره) به بحث و تبادل نظر پیرامون این موضوع پرداختند. این جلسه در جمع بندی بسیار حیاتی، سه روز بعد از فتح خرمشهر، تصمیم به ادامه جنگ و عبور از مرز به سوی عمق خاک دشمن با هدف فتح بصره را گرفت و از فردای آن روز مقدمات کار با جدیت تمام دنبال شد.

درس های بزرگ ترین عملیات زمینی بعد از جنگ دوم جهانی

عملیاتی که اهمیت دیپلماسی را نشان داد

آیت الله هاشمی رفسنجانی یکی از افراد حاضر در جلسه در خاطرات روزانه خود در ارتباط با آن نوشته است: «پایان یافتن جنگ با غلط دانستن آن از سوی امام (ره) به دلیل عدم تضمین خروج نیروهای دشمن از باقی مانده سرزمین های اشغالی و پرداختن نشدن خسارت های ناشی از جنگ از سوی طرف عراقی، مجال طرح نیافت و تمامی وقت جلسه صرف نحوه ادامه جنگ شد. خواه نخواه دامنه این بحث به موضوع ورود یا عدم ورود به خاک دشمن نیز کشیده شد. امام خمینی (ره) با طرح اجتناب از آسیب دیدن مردم شهرهای عراق، طرفدار ایده ادامه جنگ به صورت محدود و بدون ورود به خاک دشمن بود. در مقابل برخی از

فرماندهان نظامی با این استدلال که اگر دشمن پی به استراتژی جنگ محدود ما ببرد با متمرکز کردن نیرو در مرز می تواند در مقطعی مشخص از نقاط معینی به ما حمله کند. بنابراین منطق نظامی به ما می گوید نباید چنین فرصتی را برای دشمن ایجاد کنیم و شرایط باید به گونه ای باشد که دشمن از پیشروی ما به عمق خاکش در هراس باشد، ضمن آنکه برای تأمین یک نقطه دفاعی مطمئن در خوزستان باید خودمان را به یک عارضه طبیعی همچون کناره های ارنود در عمق خاک عراق برسانیم. برخی از نظامیان از جمله تیمسار ظهیرنژاد رئیس وقت ستاد ارتش معتقد بود؛ برای پدافند از مرزهای جنوب کشور باید به یک مانع طبیعی

تکیه کنیم و برای این کار ناچار به عبور از مرز هستیم، ضمن آنکه باقی ماندن در جغرافیای خودی به تضعیف روحیه حماسی رزمندگان انجامیده و آنان را از انگیزه تهی می کند. در هر حال آن جلسه منجر به هیچ تصمیمی نشد و پس از آن امام خمینی (ره) به دنبال جویا شدن نظرات مشورتی سایرین با ورود به خاک دشمن به شرط عدم آسیب به مردم عراق موافقت کردند.» (پس از بحران / خاطرات روز ششم خرداد ۱۳۶۱) همه فرماندهان عالی رتبه چه از ارتش و چه از سپاه با این تصمیم موافق بودند حتی محسن رضایی که در آن جلسه تصمیم ساز حضور نداشت، موافقت خود را با ایده عبور از مرز به منظور تنبیه متجاوز و به دست آوردن

گروگانی جهت گرفتن خسارت ناشی از تجمیل جنگ از سوی عراق اعلام کرد. خیلی زود کارهای مطالعات میدانی، اعم از شناسایی ها و امکان سنجی برای مقابله با توان رزمی دشمن و تأمین ملزومات رزم آغاز شد. در آن مقطع زمانی بر اثر دو عملیات بزرگ و پیروزمند «فتح المبین» و «بیت المقدس» خسارت های فراوانی به دشمن وارد شده بود که در کنار روحیه بالای رزمندگان از جمله امتیازات طرف اضطراری می شوند و در مناطق کوهستانی پیرامون شهر بیجاا فرود می آیند که پس از انتقال به بیمارستان جهت انجام اقدامات درمانی به علت شکستگی های متعدد در دست چپ، دندها و آسیب به ستون فقرات و شکستگی مهره کمر به ایشان ۱۲ سال استراحت پزشکی داده می شود. بخشی از فرایند درمان ایشان در کشور آلمان صورت می گیرد و جالب آنکه در مدت اقامت ایشان در کشور آلمان برخی عناصر معلوم الحال از او می خواهند که به کشور آلمان بمانند

« اجرای موفق عملیات می توانست به ایران این امکان را بدهد تا در مذاکرات سیاسی دست بالا را داشته باشد و عراق را وادار به پذیرش شرایط خود برای خاتمه دادن به جنگ نماید. اما از آنجا که اکثر استعداد نظامی ایران در این عملیات را قوای پیاده شکل می داد، همچنین به دلیل فاصله زیاد اهداف عملیات از خط تماس و نبود ماشین آلات کافی برای احداث خاکریز و جان پناه و همچنین بر اثر گرمای شدید هوا از تحرک نیرو به نحو چشمگیری کاسته شده و به رغم تأمین اهداف اولیه، پدافند از آنها مقدور نشد و با پاتک های مکرر دشمن این عملیات موفقیتی در پی نداشت. با وجود این در نتیجه عملیات رمضان ۲۵۰ کیلومتر مربع از خاک دشمنان از اشغال بیرون آمد و سه تیپ پیاده، یک تیپ مکانیزه و یک تیپ مختلط دشمن منهدم شد و ضمن به اسارت در آمدن ۱۳۱۵ نفر از نیروهای دشمن چند برابر این تعداد به آنان تلفات وارد شد. متأسفانه در این مقطع دیپلماسی کشور به نحو مطلوبی فعال نبود و قبل از عملیات نسبت به دلایل ورود ایران به خاک عراق و تشریح نیات صلح طلبانه خود در درازنی با دولت های مؤثر اقدام چندانی صورت نداد. و الا هیچ بعید نبود رزمندگان ایرانی با تأمین اهداف خود در این عملیات به پیروزی ارز شمند دیگری نیز نائل آیند. پیش بینی های صدام و گفت وگوهایش با قدرت های بزرگ موجب شد تا صدام در عرصه دیپلماسی موفق تر از ما عمل کرده و ضمن تجدید سازمان و تقویت ارتش خود از حمایت های سیاسی و تسلیحاتی نیز برخوردار شود. هدف صدام در این ایام خرید زمان بعد از شکست های سنگین عملیات های فتح المبین و بیت المقدس برای سازماندهی مجدد ارتش از هم پاشیده عراق بود که با دیپلماسی فعال آن را به دست آورد.

حال آنکه در آن شرایط بخش هایی از خاک ایران همچنان در اشغال عراق بود و هیچ ضمانتی برای تخلیه نیروهای عراقی و بازگشت به مرز به صورت جدی وجود نداشت. و این می توانست حقانیت ما در ادامه جنگ و ورود به خاک عراق را موجه کند. لکن با اعلام ورود نیروهای ایران به خاک عراق، بلافاصله سازمان ملل واکنش نشان داد و با صدور بیانیه ای از وضعیت به وجود آمده، اظهار نگرانی کرد و خواستار آتش بس شد، که البته ایران آن را رد کرد. این درحالی بود که شورای امنیت سازمان ملل هنگام تجاوز عراق و استمرار آن سکوت اختیار کرده و در همین ایام دولت امریکا نیز ایران را از ورود به خاک عراق برحذر داشت. ایران در نتیجه این عملیات متحمل ۱۵۸۰ شهید، ۲۰۵۱۰ مجروح و ۲۱۰۳ اسیر شد.

در هرحال پس از فتح خرمشهر مسئولان کشور در معرض انتخابی سخت و تاریخی قرار گرفتند و ناگزیر از برگزیدن یکی از دو راه ادامه جنگ یا ختم آن شدند.



خوش خلقی و اخلاق نیکووز شکار (فوتبال) و پینگ پنگ و حافظ، معلم وفاری قرآن کریم به سبک استاد مرحوم عبدالبسط شناخته می شد. کمتر کسی بود که اگر او را در لباس خلبانی نمی دید متوجه نمی شد که او معلم خلبانی توانمند است چرا که تواضع اش مانع از آن بود که افراد متوجه سابقه و اسم و رسم شغلی ایشان شوند. آقای محمدحسین لاله زاری از دوستان شهید عبدالکریمی که بواسطه شرکت در کلاس های قرآن با او آشنا می شوند در این باره خاطره ای بدین شرح نقل نموده اند: به عنوان معلم در آموزش و پرورش بندرعباس مشغول خدمت بودم و مدتی بود که با شهید آشنا و مجذوب منش و رفتار گریای ایشان شده بودم. روزی از ایشان درخواست کردم در محفل انس با قرآن کریم ناحیه ۲ آموزش و پرورش برای قرارت قرآن حضور پیدا نمایند و تأکید کردم با لباس پرواز بیایند که ابتدا نپذیرفتند و با اصرار من مجاب شدند. روز موعود در طول مسیر برادران نیروی نظامی با مشاهده ایشان به اداي احترام نظامی می پرداختند و با مشاهده این صحنه خطاب به ایشان عرض کردم چقدر خوب است که همه به شما احترام می گذارند و تحویل می گیرند که فرمودند: این درجه ها برای کسی ماندنی نیست! و نباید آنان که دعوت خدا و رسول را اجابت کنند پس از آنکه به آنها رنج و الم رسید، از آنها هر کس نیکوکار و پرهیزگار شد اجر عظیم خواهد یافت.



نمایند. اوایل مرداد سال ۶۷ با ورود منافقین کوردل آخرین پرده از هنرنمایی شهید خسرو عبدالکریمی در میدان جنگ تحمیلی رقم می خورد و خلبانانی که ۴۸ ساعت خواب قرار می گیرند و هر دو خلبان ناچار به خروج اضطراری می شوند و در مناطق کوهستانی پیرامون شهر بیجاا فرود می آیند که پس از انتقال به بیمارستان جهت انجام اقدامات درمانی به علت شکستگی های متعدد در دست چپ، دندها و آسیب به ستون فقرات و شکستگی مهره کمر به ایشان ۱۲ سال استراحت پزشکی داده می شود. بخشی از فرایند درمان ایشان در کشور آلمان صورت می گیرد و جالب آنکه در مدت اقامت ایشان در کشور آلمان برخی عناصر معلوم الحال از او می خواهند که به کشور آلمان بمانند

«امیر ایرج محبی در تاریخ ۶۳/۳/۱۷ در حالی که عدد پروازهای جنگی اش به ۳۳۵ ساعت رسیده بود در بازگشت از مأموریت بمباران تأسیسات دشمن یعنی هدف جنگ افزارهای پدافند زمین به هوای دشمن قرار می گیرند و هر دو خلبان ناچار به خروج اضطراری می شوند و در مناطق کوهستانی پیرامون شهر بیجاا فرود می آیند که پس از انتقال به بیمارستان جهت انجام اقدامات درمانی به علت شکستگی های متعدد در دست چپ، دندها و آسیب به ستون فقرات و شکستگی مهره کمر به ایشان ۱۲ سال استراحت پزشکی داده می شود. بخشی از فرایند درمان ایشان در کشور آلمان صورت می گیرد و جالب آنکه در مدت اقامت ایشان در کشور آلمان برخی عناصر معلوم الحال از او می خواهند که به کشور آلمان بمانند

دوران، فریدون ذوالفقاری، علیرضا یاسینی و خسرو عبدالکریمی بر مسندهایی مشابه آن مسئولیت ها همچون فرماندهی گردان های شکاری، پایگاه های هوایی و معاونت عملیات در نیروی هوایی قرار گرفتند با ترکیبی از ایده و تفکرات جهاد دفاعی به همراه اندوخته ای از آخرین متد آموزش های نبردهای هوایی در کنار بهره گیری از پرنده های آهنین بالی چون تایگر ۱۵، فانتوم ۴۲ و تام کت های ۱۱۴ که کمتر از ۵ سال از عمر خدمتی آن در نیروی هوایی می گذشت حماسه هایی آفریدند که سال ها پس از شهادتشان مایه عبرت زیاده خواهان و قوت قلب دوستان در نظام اسلامی در منطقه و جهان گردید.

■ **اجتناب خلبانان ایرانی از آسیب رساندن به افراد عادی** بارها در خاطرات خلبانان ایرانی خوانده ایم وقتی که با مشقت و مخاطرات فراوان و با طی مسافت های طولانی به صورت ارتفاع پست خود را به پل مواصلاتی می رساندند که هدف درحالی که علم روانشناسی یکی از عوامل مؤثر بر تکوین شخصیت را محیط برمی شمارد، بودند خلبانانی که نه تنها از محیط منحنی غرب تأثیر پذیرفتند بلکه در آینده ای نه چندان دور عهده دار مسئولیت هایی شدند که نظیر آن مسئولیت ها در نیروی هوایی ایالات متحده سال ها تحت فرمان تفکراتی از جنس فایراند فورگت، تغییر، امریکا اولین است و... خون های بی شماری را در کره، ویتنام، گرنادا، هیروشیما و ناکاراکی و تا به امروز در افغانستان، عراق، لیبی و سوریه و یمن و... به ناحق بر زمین ریختند.

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تثبیت حاکمیت جمهوری اسلامی که غیر قابل تحمل ترین اتفاقی بود که غرب را به واکنش واداشت و جنگ تحمیلی ۸ ساله را علیه ایران انقلابی رقم زد وقتی شهیدانی چون خلبانان عباس بابایی، مصطفی اردستانی، عباس